**( ما ) ادوار کلّيّه**

**سؤال**

ذکر ادوار کلّيّه ميشود که در عالم وجود واقع ، حقيقت اين مسأله را بيان کنيد .

**جواب**

همچنانکه اين اجرام نورانيّه در اين فضای نامتناهی هر يک را دوری زمانيست که در ازمنه مختلفه هر يک در فلک خويش دوری زند و دوباره بنای دوره جديد گذارد مثلاً کره ارض در هر سيصد و شصت و پنج روز و پنج ساعت و چهل و هشت دقيقه و کسوری دوری زند پس آغاز دور جديد نمايد يعنی آن دوره اوّل دوباره تجدّد يابد ، بهمچنين عالم وجود کلّی را چه در آفاق و چه در انفس دوری از حوادث کليّه و احوال و امور عظيمه است چون دوره منتهی شود دوره جديد ابتدا گردد و دوره قديم از وقوع حوادث عظيمه بکلّی فراموش شود که ابداً خبری و اثری از آن نماند . چنانکه ملاحظه مينمائيد که از بيست هزار سال پيش ابداً خبری نيست و حال آنکه بدلائل از پيش ثابت نموديم که عمران اين کره ارض بسيار قديم است نه يکصد هزار نه دويست هزار سال نه يک مليون نه دو مليون سال بسيار قديم است و بکلّی آثار و اخبار قديم منقطع . و همچنين هر يک از مظاهر ظهور الهيّه را دوريست زمانی که در آن دوره احکام و شريعتش جاری و ساريست چون دور او بظهور مظهر جديد منتهی شود دوره جديد ابتدا گردد و بر اين منوال دورها آيد و منتهی گردد و تجدّد يابد تا يک دوره کلّيّه در عالم وجود بانتها رسد و حوادث کلّيّه و وقايع عظيمه واقع شود که بکلّی خبر و اثر از پيش نماند پس دور جديد کلّی در عالم وجود آغاز نمايد زيرا عالم وجود را بدايتی نيست و از پيش دليل و برهان بر اين مسأله اقامه شد احتياج بتکرار نيست . باری دوره کلّی عالم وجود را گوئيم آن عبارتست از مدّتی مديده و قرون و اعصاری بيحدّ و شمار و در آن دوره مظاهر ظهور جلوه بساحت شهود نمايند تا ظهور کلّی عظيمی آفاقرا مرکز اشراق نمايد و ظهور او سبب بلوغ عالم گردد دوره او امتدادش بسيار است مظاهری در ظلّ او بعد مبعوث گردند و بحسب اقتضای زمان تجديد بعضی احکام که متعلّق بجسمانيّات و معاملاتست نمايند ولی در ظلّ او هستند ما در دوره ای هستيم که بدايتش آدم است و ظهور کلّيّه‌اش جمال مبارک .